

آلایات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، چاپ حسین استادولی، قم ۱۴۱۷؛ حر عاملی؛ حسن بن سلیمان حلی، مختصر بصائر الدرجات، نجف ۱۳۷۰؛ خوئی؛ محمدجواد شبیری، «در حاشیه دو مقاله»، آینه پژوهش، سال ۸، ش ۶ (بهمن - اسفند ۱۳۷۶)؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم ۱۴۱۷؛ همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خرسان، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ همو، الفهرست، چاپ الیس اسبرنگر، هندوستان ۱۳۷۱/۱۸۵۳، چاپ محمود رامیار، چاپ ائت مشهد ۱۳۵۱ ش؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، چاپ طب موسوی جزائری، نجف ۱۳۸۷، چاپ ائت قم [بی تا]؛ محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش؛ اتان کلیرک، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۷۱ ش؛ کلیبی؛ مجلسی؛ احمد مددالموسوی، «پژوهشی پیرامون تفسیر قمی»، کیهان اندیشه، ش ۳۲ (مهر و آبان ۱۳۶۹)؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۰۷.

/ سید محمدجواد شبیری /

تفسیر عیاشی، از تفسیرهای کهن امامی متعلق به عصر غیبت صفرا (۳۲۹-۲۶۰)، تألیف ابونصر محمد بن مسعود عیاشی. در تفسیر عیاشی، همچون دیگر آثار امامیه این دوره، جنبه روایی غالب است؛ با این حال، به دلیل توجه مؤلف به آیات الاحکام، ویژگی فقهی این تفسیر بیشتر از دیگر تفاسیر کهن امامیه، همچون تفسیر فرات کوفی* و تفسیر علی بن ابراهیم قمی*، است (برای نمونه ← عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۲، ۲۳۸، ۲۴۸).

عیاشی نخست در مقدمه‌ای کوتاه به ذکر احادیثی در فضیلت قرآن کریم، ترک روایت احادیث مخالف با قرآن، مطالب مذکور در قرآن و لزوم مراجعه به ائمه اطهار علیهم السلام برای فهم و تفسیر قرآن، پرداخته است (همان، ج ۱، ص ۷۴-۹۷). سپس آیاتی را تفسیر کرده که در آنها روایاتی از ائمه علیهم السلام درباره اعتقادات و آموزه‌های شیعی - بویژه در فضائل اهل بیت علیهم السلام و مقتصد دشمنان ایشان - رسیده است. بیشتر این روایات از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است. رجال‌شناسان امامی، با وجود ستودن عیاشی، گفته‌اند که وی از افراد ضعیف روایت می‌کرده است (نجاشی، ص ۳۵۰؛ طوسی، ص ۳۱۷-۳۲۰).

در تفسیر عیاشی، علاوه بر مطالب تفسیری و فقهی، به مسائل کلامی نیز پرداخته شده است؛ مثلاً عیاشی در بحث از جبر و تفویض، روایاتی دال بر هر دو نظریه جبر و تفویض

سیدمرتضی علم الهدی است (آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۱۵۴، ج ۴، ص ۳۱۸) و متن کامل آن در جلد نود بحارالانوار (ص ۱-۹۷) درج شده است. این رساله، روایت واحد مفضل است از حضرت علی علیه السلام به نقل از نعمانی در تفسیر قرآن که با یک سند متصل به امام صادق علیه السلام می‌رسد. در سند روایت نام روایت ضعیفی چون حسن بن علی بن ابی حمزه دیده می‌شود. در این رساله نخست فهرست انواع آیات قرآنی ذکر شده که با فهرست عناوین تفسیر شباهت بسیاری دارد، ولی فهرست روایت نعمانی دقیقتر و منظمتر است. مقایسه شرح تفصیلی عناوین در دو کتاب از گستردگی روایت نعمانی حکایت می‌کند؛ حتی مباحث تازه‌ای همچون وجوه معایش خلق (مجلسی، ج ۹۰، ص ۴۶-۴۹) و حدود فرایض (همان، ج ۹۰، ص ۶۲-۶۴) در این روایت دیده می‌شود که در مجموع حجم رساله را به پنج برابر مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم رسانده است. در بحار پس از نقل رساله نعمانی، از رساله‌ای مشابه، تألیف سعد بن عبدالله اشعری نام برده شده که مطالب آن با ترتیبی دیگر مشابه مطالب این روایت است. دو باب از این رساله در بحارالانوار (ج ۸۹، ص ۶۰-۷۳) نقل شده که بی شباهت به مباحث تفسیر قمی نیست و نیز مطالبی دیگر از آن به نام تفسیر سعد بن عبدالله در مجلدات مختلف بحار نقل شده است (برای نمونه ← مجلسی، ج ۸۰، ص ۴۷، ج ۸۱، ص ۷۱، ۳۸۲، ج ۱۰۰، ص ۳۰۵). آقابزرگ طهرانی، این رساله را کتاب ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه می‌داند (ج ۲۴، ص ۸) که نجاشی در ترجمه سعد بن عبدالله برای وی ذکر کرده است (ص ۱۷۷). بررسی ارتباط دقیق این سه متن با یکدیگر می‌تواند به شناخت بهتر تفسیر علی بن ابراهیم، تصحیح اغلاط مقدمه آن و نیز تصحیح دو متن دیگر یاری رساند. همچنین نام کتاب الناسخ و المنسوخ در شمار آثار علی بن ابراهیم پس از نام کتاب تفسیر، ممکن است با مقدمه تفسیر موجود ارتباط داشته باشد (نجاشی، ص ۲۶۰؛ طوسی، ۱۳۵۱ ش، ص ۲۰۹).

تفسیر علی بن ابراهیم چندین بار به چاپ رسیده که اولین بار در ۱۳۱۳ بوده است. سیدطیب جزائری نیز آن را تصحیح کرده و در ۱۳۸۶ در نجف به چاپ رسانده است. نسخه مصحح وی در ۱۴۰۴ و ۱۳۶۷ ش در قم به چاپ رسیده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶؛ چاپ ائت قم [بی تا]؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، چاپ محمد عبدالرحمان مرعشی، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۱۶/۱۹۹۵-۱۹۹۶؛ ابن داود حلی، کتاب الرجال، چاپ محمدصادق آل بحر العلوم، نجف ۱۳۹۲/۱۹۷۲، چاپ ائت قم [بی تا]؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم [بی تا]؛ ابن طاووس، سعد السعود للتفوس، چاپ فارس تبریزیان حنون، قم ۱۳۷۹ ش؛ علی استرآبادی، تأویلی

آورده و نظری موافق با «امر بین امرین» ارائه کرده است (ج ۲، ص ۱۴۰-۱۴۱). عیاشی روایاتی درباره فرقه‌های شیعی و دیگر فرق، از جمله واقفه و خوارج و عجلیه و قدریه، آورده است (همان، ج ۲، ص ۵۵، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۴-۱۲۵، ۱۶۳؛ برای آگاهی از جنبه‌های قصصی - همان، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۴۵، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۵).

متن موجود تفسیر عیاشی نوشته‌ای مرسل است که در آن اسناد احادیث ذکر نشده است و تفسیر قرآن کریم را از ابتدا تا سوره کهف در بر دارد، اما بر اساس مطالبی که از این تفسیر در آثار دوره‌های بعدی آمده، احتمالاً در اصل شامل تمامی قرآن بوده است. نوشته موجود ظاهراً اندکی پس از وفات مؤلف تدوین یافته است. تدوین‌کننده، بنا بر گزارش خود وی اسناد را حذف کرده تا در فرصتی مناسب، این متن را نزد کسی که آن را به طریق سماع یا اجازه از مؤلف یا احتمالاً از شاگردان وی به دست آورده، برخواند (همان، ج ۱، ص ۷۳؛ درباره انتقاد محمداقصر مجلسی از این کار - ج ۱، ص ۲۸). حاکم حشکانی در شواهد التنزیل از متن مستند تفسیر استفاده کرده است و گویا متن مستند تفسیر تا زمان ابن طاووس (متوفی ۶۶۴) در دست بوده است (ابن طاووس، ص ۷۹).

از مقایسه روایات دال بر وقوع تحریف در قرآن کریم در تفسیر عیاشی با نسخه خطی قرائات احمد بن محمد سیاری، بر می‌آید که این اثر منبع عیاشی در نقل روایات بوده است (برای نمونه - عسکری، ج ۳، ص ۱۱۴-۱۱۵، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۴)، حال آنکه رجال‌شناسان امامی روایات منقول از سیاری را بسیار ضعیف دانسته و در مسائل فقهی به آنها بی‌اعتنا بوده‌اند (خوئی، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۸۴). بر اساس مطالب مشابه در تفسیر عیاشی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی، احتمالاً این دو اثر منابع مشترکی داشته‌اند (برای نمونه - عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۳، ۱۴۵-۱۴۹؛ قمی، ج ۱، ص ۳۶-۴۱، ۵۵-۵۸)، از جمله تفسیر جابر بن یزید جعفی (متوفی ۱۲۸) که عیاشی روایات فراوانی از آن نقل کرده است. تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر نیز از منابع مشترک این دو بوده است، گویا که بخش‌های منقول از تفسیر مذکور در دو اثر همانند نیست و هریک از آنان از بخش‌های مختلف آن استفاده کرده‌اند. نصوص بر جا مانده از تفسیر عیاشی در شواهد التنزیل نیز حاکی از آن است که عیاشی از برخی منابع تفسیری اهل سنت استفاده کرده است (برای نمونه - عیاشی، ج ۳، ص ۱۵۳، ۱۶۳-۱۶۵).

از تفسیر عیاشی نسخه‌های خطی و چاپ‌های مختلفی در دست است، از جمله چاپ هاشم رسولی محلاتی در ۱۳۴۰ ش

(برای آگاهی بیشتر در باره مشخصات نسخه‌ها و نیز منابع دیگر - بکائی، ج ۶، ص ۲۳۵۲؛ سرگین، ج ۱، جزء ۱، ص ۹۹). بنیاد بعثت قم نیز این تفسیر را در ۱۳۷۹ ش / ۱۴۲۱ در قم چاپ کرده است. در تصحیح این چاپ از تمام نسخه‌های موجود استفاده نشده، اما در آن ۱۱۶ مورد از نصوص مفقود - که در دیگر متون امامی و غیر امامی نقل شده‌اند - گردآوری شده است که تفسیر کل قرآن را شامل می‌شود. همچنین در این چاپ اسنادها و طریق روایت عیاشی به افراد مختلف ذکر شده است.

منابع: ابن طاووس، سعد السعود، [نجف ۱۳۶۹/۱۹۵۰]، چاپ افست قم [بی‌تا]؛ محمدحسن بکائی، کتابنامه بزرگ قرآن کریم، تهران ۱۳۷۴ ش -؛ خوئی؛ فزاد سرگین، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء ۱، نقله الی العربیة محمود فهمی حجازی، ریاض ۱۴۰۳/۱۹۸۲؛ محمدبن حسن طوسی، الفهرست، چاپ الویس اسبرنگر، هندوستان ۱۳۷۱/۱۸۵۳، چاپ محمود رامیار، چاپ افست مشهد ۱۳۵۱ ش؛ مرتضی عسکری، القرآن الکَریم و روایات المدرستین، تهران ۱۳۷۸ ش؛ محمدبن سعید عیاشی، التفسیر، قم ۱۴۳۱؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، چاپ طبیب موسوی جزائری، نجف ۱۳۸۷، چاپ افست قم [بی‌تا]؛ مجلسی؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهرين رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۰۷.

/ محمدکاظم رحمتی /

تفسیر فرات کوفی، تفسیری روایی به عربی از ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، محدث و مفسر شیعی (زنده در ۳۰۷). فرات این تفسیر را بر اساس ترتیب سوره‌ها تنظیم کرده، اما برخلاف مفسران متقدم شیعی همچون قمی و عیاشی (بر - اشرا، ص ۳۰؛ قس مامقانی، ج ۲، بخش ۲، ص ۳) تنها آیاتی را برگزیده است که در شأن نزول و تفسیر یا تأویل قریب و بعید آنها، روایتی درباره تعالیم و اعتقادات شیعی از ائمه شیعه علیهم السلام یا صحابه و برخی تابعین در دست داشته است (برای دسته‌بندی موضوعی از مطالب تفسیر - فرات کوفی، چاپ محمدکاظم، فهرست، ص ۶۷۲-۶۷۷؛ درباره دیگر ویژگی‌های ترتیب آیات در سوره‌ها - همان، مقدمه محمدکاظم، ص ۱۴-۱۵).

رجالینون متقدم شیعه همچون کُتبی و نجاشی و شیخ طوسی، و متأخرانی چون ابن‌داوود و علامه حلی و محمدبن علی اردبیلی، درباره ابوالقاسم فرات هیچ اطلاعی نداده‌اند (درباره منابع جدید - امین، ج ۸، ص ۳۹۶؛ خوئی، ج ۱۳، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ قمی، ج ۱، ص ۳۴۹؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۶). با وجود این، از زیدیه ابو عبدالله علوی شجری (متوفی ۴۴۵) به